

# ترور و تروریسم در افغانستان به وسیله خلقی ها و پرچمی ها آغاز شد



نوشته ضیا

یکی از میراث‌های شوم کودتای ثور، داخل شدن کلمه های زشت و نفرت انگیز ترور، تروریست و تروریسم در ادبیات سیاسی به ویژه در اذهان عامه افغانستان میباشد که پیش از آن ندرتاً جوان های مربوط به جریانهای سیاسی این کلمه ها را در کتابهای سیاسی جیبی و یا ورقه های کاپی شده

به گونه پنهانی میخواندند و در نهایت اگر تعدادی تیوریسن های چپی یا راستی و تعداد محدود از روشنفکران با کلمه های ترور یا تروریسم آشنایی می داشتند. زیرا فعالیتهای تروریستی با این همه رسوایی بی که امروز مردم جهان، بخصوص افغانستان را به هراس گذاشته است، وجود نداشت.



باید گفت؛ ترور Terreur ، کلمه ایست با ریشه لاتینی Ters به معنی ترس و به ترس و وحشت انداختن که مشتقات آن چون تروریست Terrorist و تروریسم Terrorism ... به آن بسته گی دارد.

تروریسم برای نخستین بار طی سالهای 1793-1794 میلادی در فرانسه به معنی حکومت وحشت و فشار شامل ادبیات سیاسی شد. در این دوره هزاران انسان در فرانسه به وسیله گیوتین (دستگاه سر بُردن انسان) به قتل رسیدند.

تروریسم در زبان فارسی به مفهوم داعیه ای که از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع می کند را می رساند. همچنان آدم کشی، تهدید، خوف و وحشت در میان مردم را معنی می دهد. ازین شیوه برای نیل به هدف‌های سیاسی؛ و یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت، یا تفویض آن به دسته دیگری است که مورد نظر می‌باشد. این عقیده معمولاً از ابزار اصلی فاشیسم، ماکیاولیسم و مکاتب مشابه آن است. اما در زبان عربی واژه (ارعاب) یا تروریسم، به معنی (ترس و ترساندن) می باشد که از مصدر ( رعب) جدا شده است.

نویسنده این سطور ( ضیا) به این باور است: نفس عمل ترور که بر بنیاد ( اغفال، قابو، کمین... ) علیه انسان استوار است، این عمل پست، ناجوانمردانه و جیونانه به هیچ صورت حتی در میان وحشی ترین و درنده ترین و مکاره ترین حیوانات ( روباه) وجود ندارد. به این معنی؛ اگر حیوانات به خاطر به دست آوردن شکار یا طعمه در گوشه بی کمین می گیرند و مخفیانه به شکار حمله می کنند، صید شان از نوع خود شان نیست. اما متأسفانه این انسان (اشرف مخلوقات!!) است که با عمل ترور و با شیوه غافلگیرانه، قابو و کمین، خون هم‌نوع خود را به زمین می ریزد تا به هدف خود برسد.

در کنار آنکه امروز، بارز ترین نمونه تروریسم دولتی و حامی تروریسم، دولت اسرائیل قلمداد شده است. اما پیش از آن رهبر پرولتاریای جهان!! و به گفته انقلابیون سرخ ( لینن کبیر) از جمله افرادی به حساب رفته است که از ترور به عنوان یک عمل سیاسی موثر نام می برد. لنین در (کتاب دولت و انقلاب) پس از بررسی راه های مختلف نابودی دستگاه دولت در نظام سرمایه داری، اینگونه نتیجه می گیرد: (بهترین شیوه در هم شکستن سلطه دولت های سرمایه داری، استفاده از ابزارهای نظامی و راه های تروریستی است.) در واقع لنین را می توان به نوعی طرفدار تروریسم دانست.

بی جهت نیست، رژیم کودتای ثور بر مینای همین ارشاد!! اما نا به جا از همان روز نخست به قدرت رسیدن شان با ظالمانه ترین، ناجوانمردانه ترین و جیونانه ترین شیوه های تروریسم دولتی، هزاران انسان را از دفتر، فابریکه، مسجد، خانه، دوکان، مکتب، مدرسه، دانشگاه، مزرعه، بازار و هر جای دیگر به گونه مخفیانه و دزدانه دستگیر می کردند و آنها را به زندانها و قتلگاه ها می فرستادند تا وحشت و دهشت در جامعه چیره شود و خود بر اریکه قدرت ادامه دهند. از سویی رژیم کودتا چنان فضای اختناق سیاسی را در افغانستان به وجود آورده بود که زمینه فوق العاده مساعد را برای پاکستان، ایران، کشور های عربی و از جمله ایالات متحده امریکا فراهم ساخت تا رسم ترور، غافلگیری و غافل کشی را از طریق تنظیمهای اسلامی علیه رژیم کودتا، قوتهای نظامی آنها، روسها و همچنان در سطح گروپهای متخاصم ترویج نمایند. تبعات آن به ایجاد گروه های تروریستی القاعده که از بنده سیاستهای امریکا زاده شد، متعاقباً؛ پس از سقوط امارت ملا عمر، از حدود سالهای 2005 طالبان نیز به طور روز افزون به حمله های انتحاری دست زدند و در فرجام دیده میشود که ده ها گروه تروریستی دیگر تا داعش سایه وحشت و دهشت را بر جهان چیره کرده است.

به خاطر باید داشت که میان تروریسم و جنگ های چریکی یا به زبان فرانسوی (پارتیزانی) تفاوت بسیار است. در حملات چریکی یا پارتیزانی قطعاً توجه به آن می شود تا افراد عادی یا ملکی جامعه ضرر نبینند. چنانچه امریکایی‌ها در جنگ استقلال خود علیه نیروهای بریتانیایی شیوه‌های جنگ چریکی را به کار گرفتند. در قرن بیستم هم چریک‌های کمونیست با موفقیت از این شیوه علیه نیروهای فرانسوی و امریکایی مستقر در ویتنام بهره بردند. در جنگ جهانی دوم نیز گروه‌های چریکی در فرانسه و نقاط دیگر دنیا در مقابل نیروهای آلمان نازی مقاومت کردند. در کوبا فیدل کاسترو و ارنستو چگوارا در یک جنگ چریکی سه ساله موفق به سرنگونی حکومت فولخنسیو باتیستا در سال ۱۹۵۹ شدند و ده ها مثال دیگر. لیکن تاسف اینجاست که خلقی ها و پرچمی ها پیروزی کودتای ننگین شان را با شعار های با ماهیت مردمی چون: کارگران، دهقانان، زحمتکشان، توده ها، حق، عدالت، آزادی، دموکراسی، شگوفاسازی، ( کور، کالی، دودی) و ده ها طمطراق دیگر به نمایش گذاشتند ولی از همان نخستین روزگاری که این نوکیسه های سیاسی به قدرت رسیدند چنانچه در بالا تذکر دادیم مردم مظلوم را به جرم دین، ریش، دگر اندیشی و بهانه های مختلف از ادارات، مکاتب، دانشگاه ها، خانه، سرک بازار و هر جای دیگر زدبند ( ترور ) کردند که بارزترین نمونه تروریسم دولتی را به کار گرفتند تا آنکه با وجود حامی بزرگ شان( روسها) و دسترسی به مخرب ترین سلاح های زمینی و هوایی، خود شان و بادار شان با شرمناکترین صورت شکست خوردند و بد نام تاریخ شدند. بنا بران در شرایط کنونی حامیان بین المللی تروریسم، باید بدانند؛ حوادث ناگواری که از طرف حلقات تروریستی در سطح بین المللی در کشور های مختلف طی سالهای اخیر به وقوع پیوسته است، عاقبت دامنگیر خود شان، خانواده های شان و مردم شان خواهد شد.

امروز تروریسم، منحنی فصل جدیدی در معادلات سیاسی جهان عرض اندام کرده است. اگر کشور های حامی تروریسم و یا سران و رهبران این روش وحشت افگنی و دهشت آفرینی به این دل خوش کرده باشند که میتوانند با این وسیله به اهداف غایی و استراتژیک شان می رسند، اشتباه است. زیرا نتیجه بی که وحشت و ارباب به وجود می آرد، از بد بینی فردی تا جمعی از سطح محل تا شهر و کشور وازان گذشته بد بینی بین المللی را در قبال دارد. به این معنی که فرد، گروپ و یا کشوری نمی تواند بالای همه جهان حاکمیت مطلق آنها باتوسل به دهشت داشته باشند.